

روح نبوت: راهنمایی اور تعلیم دینا

دو لوح حقوق

Jeff Pippenger

2012-10-15

دو لوح حقوق ۳ از ۹۵

مقدمه: بنیاد دو لوح حقوق

این مجموعه «دو لوح حقوق» نام دارد. تاکنون، برخی حقایق را از نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ برگرفته‌ایم، نه برای آنکه در این مقطع از آنها به طور کتاب مقدسی دفاع کنیم، بلکه برای آنکه ثابت سازیم ال وایت این حقایق را تأیید می‌کند. ادعای ما این است که اگر شما این حقایق بنیادین را رد کنید، هم‌زمان روح نبوت را نیز رد می‌کنید. می‌خواهیم نخست این نکته را در سابقه ثبت کنیم.

بررسی تاریخ میلری و فریاد نیمه‌شب

در نخستین ارائه خود، تاریخ میلریتها را، یعنی نشانه‌های راه از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، ترسیم کردیم. در آخرین ارائه خود، تاریخ از زمان تأخیر تا بسته شدن در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را با دقت بیشتری بررسی کردیم و آن زمان را به عنوان فریاد نیمه‌شب شناسایی نمودیم. فریاد نیمه‌شب در گردهمایی اردویی اگستر، ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، وارد تاریخ شد و تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ادامه یافت. زمان تأخیر، که در مارس ۱۸۴۴ آغاز شد، بخشی از فریاد نیمه‌شب و فرایند تطهیر است که قومی را برای اعلام پیام آن آماده ساخت.

دیروز امید داشتیم این حقیقت را در دل‌ها و ذهن‌های شما استوار سازیم. همه نمونه‌های زمان‌های درنگ در کلام خدا درباره پایان جهان سخن می‌گویند. ال وایت، در شرح اول قرن‌تین ۱۰:۱۱، می‌گوید: «هر یک از انبیای کهن بیش از روزگار خود، برای روزگار ما سخن گفتند.» اول قرن‌تین ۱۰:۱۱ می‌گوید: «و همه این امور برای ایشان به عنوان نمونه واقع شد، و برای تنبیه ما مکتوب گردید؛ ما که پایان‌های عالم بر ما رسیده است.» تاریخ میلریتها تاریخی است از آنچه در پایان جهان واقع خواهد شد. همه این تاریخ‌های کتاب مقدسی زمان درنگ و آنچه در پی آن می‌آید، نمایانگر آن چیزی است که در زمان درنگ میلری و فریاد نیمه‌شب به وقوع می‌پیوست. ما نیاز داریم این امور را درک کنیم، زیرا تاریخ باید تکرار شود.

2520: تأیید ال وایت

ما در این نمودارها با نخستین موضوع سر و کار داشته‌ایم، هرچند چندان به آن اشاره نکرده‌ایم. نخستین آموزه‌ای که می‌خواهیم نشان دهیم ال وایت به روشنی آن را تأیید می‌کند، ۲۵۲۰ است. دو ارائه نخست برای آن طراحی شده بودند که ما را به اینجا رهنمون شوند. فردا صبح، بررسی «قربانی دائمی» را در این نمودار آغاز خواهیم کرد.

به یاد آوردن هدایت و تعلیم خداوند

بیابید با کتاب Life Sketches، صفحه 196 آغاز کنیم: «ما برای آینده چیزی برای ترسیدن نداریم، مگر آنکه راهی را که خداوند ما را در آن هدایت کرده است، و تعلیم او را در تاریخ گذشته خود، از یاد ببریم.» تنها چیزی که یک مسیحی باید درباره آینده از آن بترسد، این است که از مسیر منحرف شود و هلاک گردد. آنچه باید مایه ترس باشد، نائل نشدن به حیات جاودان است. در اینجا، خواهر وایت

می‌گوید که ما برای آینده چیزی برای ترسیدن نداریم، مگر از دو چیز. این عبارتی شناخته‌شده در روح نبوت در ادونتیسم است، اما به ندرت کسی را می‌شنوید که توضیح دهد او به کدام هدایت و کدام تعالیم اشاره می‌کند.

مور به ونیو چپ هغه رهبری چپ هغه ورته اشاره کرد، د نیمپ شپ د نارې تاریخ دی. د نیمپ شپ د نارې په تاریخ کې، مسیح د ځنډ په وخت، د نیمپ شپ د نارې په راتگ او اعلان، او د 1844 کال د اکتوبر په 22مه د دروازې په تړل کې رهبری کوله. هغه دا تاریخ داسې طرحه کړی و چې داسې یو قوم راپیدا کړي چې وکولای شي د ایمان له لارې له هغه سره یو ځای تر ټولو سپېڅلي ځای ته ننوځي. مور باید ووېږي چې هسې نه هماغه ځانگړی تاریخ، او همدارنګه د هغه تعلیمات، هېر کړو.

ما نشان خواهیم داد که تعلیمی مشخص وجود داشت که فریاد نیمه‌شب را پدید آورد. آن تعلیم، نه فروپاشی امپراتوری عثمانی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود، و نه آموزهٔ حالت مردگان که در تاریخ پیام فرشتهٔ دوم در تاریخ میلری پدید آمد. بلکه تعلیمی مشخص در تاریخ میلری بود که فریاد نیمه‌شب را پدید آورد؛ جایی که خداوند هدایت کرد، و ما برای آینده هیچ چیز برای ترسیدن نداریم، مگر اینکه هدایت او و تعلیم او را فراموش کنیم.

ما پیشنهاد می‌کنیم که نماد هم رهبری او و هم تعلیم او، فریاد نیمه‌شب است. بیایید این بخش را از نخستین رؤیای الن وایت بار دیگر بخوانیم:

“بر این راه، قوم ادونت به‌سوی آن شهر که در انتهای دور مسیر قرار داشت، در حرکت بودند. در آغاز راه، در پشت سر ایشان، نوری درخشان برپا شده بود که فرشته‌ای به من گفت همان «ندای نیمه‌شب» است. این نور در سراسر راه می‌تابید و برای پاهای ایشان روشنایی می‌بخشید تا مبادا بلغزند. اگر چشمان خود را بر عیسی، که اندکی پیش روی آنان بود و ایشان را به‌سوی شهر هدایت می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نپایید که برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است، و انتظار داشتند که پیش از این وارد آن شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست پرچال خود ایشان را دلگرم می‌ساخت، و از بازوی او نوری برمی‌خاست که بر فراز گروه ادونت موج می‌زد، و آنان فریاد می‌زدند: «هیلویا!» دیگران بی‌پروا آن نور پشت سر خود را انکار کردند و گفتند این خدا نبود که آنان را تا اینجا رهبری کرده بود.”

ایشان ندای نیمه‌شب را انکار می‌کنند، و در ارتباط با ندای نیمه‌شب استدلال می‌ورزند که خداوند در ندای نیمه‌شب ایشان را هدایت نمی‌کرد. آنان هدایت خدا را در ندای نیمه‌شب انکار می‌کنند.

نور پشت سر آنان خاموش شد و پاهایشان در تاریکی کامل فرو رفت، و لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به پایین، به جهان تاریک و شریر زیر پایشان سقوط کردند.

فریاد نیمه‌شب این سیاق و سباق میں

ما یک بار دیگر به تاریخ فریاد نیمه‌شب خواهیم نگرست تا پیش از پرداختن به ۱۸۵۲۰، آن را در جایگاه مناسب خود قرار دهیم.

از کتاب «نبرد عظیم»، صفحات 391-395: «هنگامی که زمانی که نخست برای آمدن خداوند انتظار می‌رفت، یعنی در بهار 1844، سپری شد،»—این همان زمان درنگ، نخستین ناامیدی است—«آنان که با ایمان در انتظار ظهور او بودند، برای مدتی در شک و عدم‌اطمینان فرو رفتند. در حالی که جهان آنان را چنان می‌نگریست که گویی به‌کلی شکست خورده‌اند و ثابت شده است که در دام پنداری باطل بوده‌اند، سرچشمهٔ تسلی ایشان همچنان کلام خدا بود. بسیاری همچنان به جست‌وجوی کتب مقدس ادامه دادند، شواهد ایمان خود را بار دیگر بررسی کردند و با دقت

نبوت‌ها را مطالعه نمودند تا نور بیشتری به دست آورند.»

اگر بسیاری چنین کردند، این بدان معناست که برخی نیز بودند که چنین نکردند. نمی‌گویید «آنها»؛ می‌گویید «بسیاری» — در اینجا دو طبقه وجود دارد.

شهادت کتاب مقدس در تأیید موضع ایشان روشن و قاطع می‌نمود. نشانه‌هایی که نمی‌شد در آنها اشتباه کرد، به نزدیکی آمدن مسیح اشاره داشت. برکت خاص خداوند، هم در توبه و ایمان آوردن گناهکاران و هم در احیای حیات روحانی در میان مسیحیان، گواهی داده بود که آن پیام از آسمان است. و هرچند ایمانداران نمی‌توانستند علت سرخوردگی خود را توضیح دهند، با این حال یقین داشتند که خدا آنان را در تجربه گذشته‌شان هدایت کرده است.

پیشگویی‌هایی که آنان آنها را مربوط به زمان آمدن دوم می‌دانستند، با تعلیماتی درهم‌تنیده بود که به طور ویژه با حالت عدم یقین و انتظار آمیخته به تعلیق ایشان مناسبت داشت و آنان را دلگرم می‌ساخت تا با ایمان و شکیبایی انتظار کشند که آنچه اکنون برای فهم ایشان تاریک است، در وقت معین آشکار خواهد شد.

در آن بند آمده است: «درهم‌تنیده با نبوت‌هایی که ایشان آنها را مربوط به زمان ظهور ثانوی می‌دانستند . . .». آنان کدام نبوت‌ها را قابل انطباق بر ظهور ثانوی می‌دانستند؟ 2520، 2300، و 1335. ایشان معتقد بودند که هر سه این نبوت‌های زمانی در سال 1843 به پایان می‌رسند، و آن همان ظهور ثانوی بود.

از جمله این نبوت‌ها، نبوت حبقوق ۲:۴-۴ بود: «بر دیده‌بانی خویش خواهم ایستاد، و بر برج قرار خواهم گرفت، و خواهم نگریست تا ببینم او با من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم، چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن و واضح ثبت کن، تا هر که آن را می‌خواند، بشتابد. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد بود؛ اگرچه درنگ کند، منتظرش بمان، زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک، جان او که متکبرانه برافراشته شده، در وی راست نیست؛ اما عادل به ایمان خویش زیست خواهد کرد.»

در همان اوایل سال 1842، رهنمودی که در این نبوت داده شده بود تا «رؤیا را بنویس، و آن را بر لوح‌ها چنان آشکار ساز که هر که آن را می‌خواند، بدود»، چارلز فیچ را بر آن داشت که برای توضیح رؤیاهای دانیال و مکاشفه، جدولی نبوی تهیه کند. انتشار این جدول، تحقق فرمانی که به حبقوق داده شده بود تلقی گردید. با این حال، در آن زمان هیچ‌کس توجه نکرد که در همین نبوت، تأخیری ظاهری در تحقق رؤیا — زمانی برای درنگ — نیز مطرح شده است. پس از آن یأس و نومیدی، این آیه بسیار پرمعنا جلوه کرد: «زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، برایش منتظر بمان؛ زیرا که یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. . . . اما عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود.»

جدول ۱۸۴۳ و روح نبوت

مهم نیست که شما کار منظم انجام می‌دهید یا کار نامنظم — اصطلاحاتی که الن وایت به‌ترتیب برای کار کنفرانسی و کار خودحمایت‌گر به کار می‌برد. چه به برجسته‌ترین خدمت‌های خودحمایت‌گر در ادونتیزم مراجعه کنید، و چه به کنفرانس عمومی یا مؤسسه پژوهش‌های کتاب مقدسی، اگر از آنان درباره «نقشه ۱۸۴۳» بپرسید، خواهند گفت: «اشتباهات زیادی در این نقشه وجود دارد.» آنان با الن وایت مخالفت می‌کنند؛ همان کسی که می‌گوید خداوند دست خود را بر «یک اشتباه» در بعضی از ارقام این نقشه نگاه داشت.

لیکن وہ اپنے آپ کو کلام خدا کے بھی مقابل کھڑا کرتے ہیں۔ حقوق میں لکھا ہے کہ یہ رؤیا "جھوٹ نہ ٹھہرے گی۔" وہ رؤیا جسے ابتدائی راہنماؤں نے 1843 کے چارٹ پر رکھنا تھا، اور انہوں نے رکھا بھی، حقوق 2 کی تکمیل ہے۔ یہی وہ رؤیا ہے جسے انہیں اس چارٹ پر درج کرنا تھا، اور حقوق 2 کہتا ہے کہ یہ رؤیا "جھوٹ نہ ٹھہرے گی۔" پس جب آپ کہتے ہیں کہ یہ چارٹ "غلطیوں سے بھرا ہوا ہے،" تو آپ روح نبوت اور بائبل دونوں کی مخالفت کرتے ہیں۔

بخشی از نبوت حزقیال نیز مایه قوت و تسلّی ایمانداران بود: «کلام خداوند بر من نازل شد، گفت: ای پسر انسان، این مثل چیست که شما در سرزمین اسرائیل دارید و می‌گویید: روزها به درازا می‌کشد و هر رؤیایی باطل می‌شود؟ پس بدیشان بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید... روزها نزدیک است و تحقق هر رؤیا... من سخن خواهم گفت، و کلامی که خواهم گفت واقع خواهد شد؛ و دیگر به تأخیر نخواهد افتاد.» اهل خاندان اسرائیل می‌گویند: رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است، و او درباره زمان‌هایی بسیار دور نبوت می‌کند. پس بدیشان بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید: هیچ‌یک از سخنان من دیگر به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه کلامی که گفته‌ام به انجام خواهد رسید.» حزقیال 12:21-25، 27، 28.

دو گروه از پرستندگان

توجّهوا إلی أنّها تتحدّث عن فتّین من العابدین. فهي تقول إنّ کثیرین، عندما جاء هذا الإخفاق، واصلوا دراسة النبوءات، مما يدل على أنّ هناك فئة لم تواصل. وسنحصل على مزيد من الضوء على التمييز بين الفتّین.

انجام حقوق 1:2-4 همین نمودار 1843 و نمودار 1850 است. حتی در حقوق نیز، آیه 4 می‌گوید که عادل به ایمان خود زیست خواهد کرد، و آن‌که دلش مغرور شده است. این آیه در حال توصیف دو طبقه از عبادت‌کنندگان است. تاریخ فریاد نیمه‌شب دو طبقه از عبادت‌کنندگان پدید می‌آورد، و آن دو طبقه در حقوق مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

در بند بعدی، پس از اشاره به حقوق ۲ و حزقیال، او یکی از طبقات را مشخص می‌کند: «منتظران». منتظران چه کسانی هستند؟ آنان کسانی‌اند که دانیال ۱۲ را به انجام می‌رسانند: «خوشا به حال آن که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج برسد.» این طبقه همان منتظران هستند.

منتظران شادمان شدند، زیرا ایمان داشتند که او که پایان را از آغاز می‌داند، در طول اعصار به زیر نگرسته و با پیش‌بینی نومیدی ایشان، سخنان دلگرمی و امید به آنان عطا کرده است.

ما تماسی از خواهری داشتیم که چند سالی در یکی از کشورهای اروپای شرقی مشغول خدمت بود. او اهل همان‌جا بود، به ایالات متحده نقل مکان کرده بود، و هنگامی که این پیام را درک کرد، دوباره بازگشت. او با مقاومت روبه‌رو شده است، به‌طوری‌که خانواده کلیسایی پیشین او با رهبران در کشورش تماس گرفته‌اند تا «در را به روی او ببندند». اخیراً، خداوند در را برای او گشود تا این پیام را با گروه‌ها در میان بگذارد.

او امروز صبح زود تماس گرفت و در میان گذاشت که یکی از موانع، مسئله حمل‌ونقل بود. آنان برای سفر کردن و تعلیم دادن این پیام به یک خودرو نیاز داشتند، اما بودجه لازم را نداشتند. به محض آنکه به این مکان رسیدند، دوستانی از ایالات متحده، که از سوی خداوند متقاعد شده بودند، پول کافی فرستادند تا یک خودرو بخرند.

این همان نوع تجربه‌ای بود که برای دلسردشدگان رخ می‌داد. آنان مأیوس شده بودند، اما خداوند ایشان را به سوی کتب مقدس هدایت کرد تا دلگرمشان سازد و بگوید: «این دلسردی به هدایت من

بود. فقط به پیش رفتن ادامه دهید.»

اگر کلام مقدس کے ایسے حصے نہ ہوتے جو انہیں صبر کے ساتھ انتظار کرنے اور خدا کے کلام پر اپنے اعتماد کو مضبوطی سے تھامے رکھنے کی نصیحت کرتے، تو اس آزمائش کی گھڑی میں ان کا ایمان جواب دے جاتا۔

مَثَلُ الْعَذَارَى الْعَشْرَ وَزَمَنُ الْإِبْطَاءِ

توجَّهوا إلى الكيفية التي تربط بها الأخت وايت بين مثل العذارى العشر وسفر حبقوق 2، إذ إن كليهما يتناول زمن الإبطاء وصنفين من العابدین.

تمثِّل أيضًا مثل العذارى العشر الوارد في متى 25 خبرة الشعب الأدقنتستي. ففي متى 24، وإجابة عن سؤال تلاميذه بشأن علامة مجيئه ونهاية العالم، أشار المسيح إلى بعض أهم الأحداث في تاريخ العالم والكنيسة منذ مجيئه الأول إلى مجيئه الثاني؛ أي خراب اورشليم، والضيقة العظيمة التي اجتازتها الكنيسة تحت الاضطهادات الوثنية والبابوية، وإظلام الشمس والقمر، وسقوط النجوم. وبعد ذلك تكلم عن مجيئه في ملكوته، وروى المثل الذي يصف فتتي الخدام الذين ينتظرون ظهوره. ويفتتح الأصحاح 25 بالكلمات: «حينئذ يشبه ملكوت السماوات بعشر عذارى». وهنا تعرض الكنيسة التي تعيش في الأيام الأخيرة،

اب، وه اس کا اطلاق ملیرائٹ تاریخ پر کر رہی ہے، لیکن غور کریں کہ وہ کیا کہہ رہی ہے۔ "یہاں ان دنوں میں زندہ کلیسیا منظر نظر پر لائی گئی ہے،" —"آخری ایام میں زندہ کلیسیا" کون ہے؟ وہ ہم ہیں۔

همان چیزی که در پایان فصل 24 بدان اشاره شده است. در این مثل، تجربه ایشان به وسیله وقایع یک ازدواج شرقی به تصویر کشیده شده است. «آنگاه ملکوت آسمان مانند ده باکره خواهد بود که چراغهای خود را برگرفته، به استقبال داماد بیرون رفتند. و پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. نادانان چراغهای خود را برداشتند، اما روغنی با خود نگرفتند؛ لیکن دانایان با چراغهای خود، در ظرفهای خویش روغن نیز برگرفتند. و چون داماد درنگ نمود، همه پینکی زده، به خواب رفتند. و در نیمه شب، ندایی برخاست که: اینک داماد می آید؛ به استقبال او بیرون آیید.»

آمدن مسیح، چنان که در پیام فرشته اول اعلام شد، چنین فهمیده می شد که با آمدن داماد بازنمایی شده است. اصلاح گسترده ای که تحت اعلام آمدن قریب الوقوع او پدید آمد، با بیرون رفتن باکره ها مطابقت داشت. در این مثل، همانند متى 24، دو گروه نمایانده شده اند. همه چراغهای خود، یعنی کتاب مقدس، را برگرفته بودند و به نور آن برای ملاقات داماد بیرون رفته بودند. اما حال آنکه جاهلان چراغهای خود را بی روغن برگرفتند، دانایان در ظرفهای خود روغن نیز برداشته بودند. دانایان فیض خدا را، یعنی قدرت تجددبخش و روشنگر روح القدس را، دریافت کرده بودند، قدرتی که کلام او را چراغی برای پایهای ایشان ساخته بود. آنان برای شناختن حقیقت، کتب مقدس را مطالعه می کردند و با جدیت در پی طهارت دل و زندگی بودند. اینان تجربه ای شخصی و ایمانی به خدا و کلام او داشتند که یأس و تأخیر نمی توانست آن را واژگون سازد. دیگران از روی انگیزش آنی حرکت می کردند و بر ایمان برادران خود تکیه داشتند؛ از احساسات نیک خشنود بودند، اما فاقد فهمی عمیق از حقیقت یا عمل حقیقی فیض بودند. آنان برای تأخیر و یأس آماده نبودند. چون آزمایش ها فرارسید، ایمان ایشان از پای درآمد و چراغهایشان کم نور شد.

«چون داماد تأخیر نمود،» داماد چه وقت تأخیر نمود؟ ۲۲ مارس ۱۸۴۴. او تأخیر می نماید. اکنون چه رخ خواهد داد؟ این دو طبقه آشکار خواهند شد.

ہے، پڑتے गरि से मार्ग वाले जाने ओर की संसार दुष्ट के नीचे और है जाते भूल को पुकार की मध्यरात्रि हिम जब जसिमे, है कार्य वह का मसीह सुसमाचार अनन्त समझते। नहीं को सुसमाचार हम का है करते प्रकट यह हम तब से समय के ठहरने है। करता उत्पन्न वर्ग दो के उपासकों पर आधार के संदेश-भवषियद्वाणी वाले परखने एक वह को वर्गों दो में समय के ठहरने प्रभु यहाँ है। पराकाष्ठा की सुसमाचार अनन्त यही, तक होने बन्द के द्वार लेकर, है गुज़ारता से प्रक्रिया की परख एक उन्हें और, है करता प्रयत्न का जाने ले में न्याय साथ अपने उन्हें, है लेता जसिमे, है पराकाष्ठा की कार्य उस के मसीह यही नहीं। या है तेल में वास्तव पास उनके कहो सद्धि यह ताकि है। करता अलग से मूर्खों को बुद्धिमिनों, से घास जंगली को गेहूँ, से मैल को सोने वह

«چون داماد تأخیر نمود، همگی پینکی شدند و به خواب رفتند.» مراد از تأخیر داماد، گذشت آن زمانی است که انتظار می‌رفت خداوند بیاید، یأس حاصل از آن، و این تأخیر ظاهری است. در این دوران عدم یقین، علاقه سطحی‌نگران و نیمه‌دل‌باختگان به زودی رو به سستی نهاد و کوشش‌هایشان فروکش کرد؛ اما آنان که ایمانشان بر معرفت شخصی کتاب مقدس استوار بود، صخره‌ای زیر پای خود داشتند که امواج یأس نمی‌توانست آن را از زیر پایشان بشوید. «همگی پینکی شدند و به خواب رفتند»؛ یک گروه در بی‌اعتنایی و دست کشیدن از ایمان خویش، و گروه دیگر با شکیبایی در انتظار تا نوری روشن‌تر عطا شود. با این همه، در شب آزمایش، گروه اخیر نیز تا اندازه‌ای غیرت و اخلاص خود را از دست‌رفته می‌نمودند. نیمه‌دل‌باختگان و سطحی‌نگران دیگر نمی‌توانستند بر ایمان برادران خود تکیه کنند. هر کس باید برای خود بایستد یا فرو افتد.

چون نومیدی فرا رسید، دو طبقه به گونه‌ای متفاوت به خواب رفتند؛ اما حتی باکره‌های حکیم نیز بخشی از غیرت خود را از دست دادند. خداوند در این امر هدایت می‌کرد تا هنگامی که پیام «فریاد نیمه‌شب» در گردهمایی اردویی اکستر اعلام شد، او در میان ایشان عملی را به انجام رساند.

د از مہنہت بہیر: د تم کبڈو وخت او د نیمہ شپہ چیغہ

از روح نبوت، جلد ۴، صفحہ ۲۲۸: به یاد داشته باشید که این فرایند—فریاد نیمه‌شب، از زمان تأخیر تا بسته شدن در—همان آزمودن قوم خداوند به وسیله خود اوست. فریاد نیمه‌شب در گردهمایی اردویی اکستر، در اعلام آن تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، تنها بخشی از آن تاریخ است. آن را نمی‌توان از زمان تأخیر جدا ساخت؛ زمانی که برای تأثیر فریاد نیمه‌شب در میان دو طبقه از پرستندگان آماده می‌سازد. شما باید فریاد نیمه‌شب را درک کنید، زیرا اگر آن را درک نکنید، از راه فرو می‌افتید.

خدا قصد داشت قوم خود را بیازماید. دست او اشتباهی را در محاسبه ادوار نبوتی پوشانید. دست او، دست خداوند، اشتباهی خاص را در محاسبه ادوار نبوتی، به صیغه جمع، پوشانید. «آدونتیست‌ها این خطا را کشف نکردند، و نه دانشمندترین مخالفانشان آن را دریافتند. آنان اخیر گفتند: "محاسبه شما از ادوار نبوتی درست است. رویدادی عظیم در شرف وقوع است؛ اما آنچه روی خواهد داد آن چیزی نیست که آقای میلر پیش‌بینی می‌کند؛ بلکه تبدیل جهان است، نه آمدن دوباره مسیح."»

انتظار کا وقت گزر گیا، اور مسیح اپنے لوگوں کی نجات کے لیے ظاہر نہ ہوا۔ جن لوگوں نے اپنے نجات دہندہ کا اخلاص ایمان اور محبت کے ساتھ انتظار کیا تھا، انہیں نہایت تلخ مایوسی کا سامنا کرنا پڑا۔ تاہم، خداوند نے اپنا مقصد پورا کر لیا تھا: اُس نے اُن کے دلوں کو آزمایا جو اُس کے ظہور کے انتظار کا دعویٰ کرتے تھے۔ اُن میں بہت سے ایسے تھے جنہیں سچائی کی محبت کے بجائے خوف نے متحرک کیا تھا۔ جب متوقع واقعہ پیش نہ آیا تو ان اشخاص نے اعلان کیا کہ وہ مایوس نہیں ہوئے؛ انہوں نے کبھی یہ ایمان ہی نہ رکھا تھا کہ مسیح آئے گا۔ وہی سچے ایمان داروں کے غم کا تمسخر اڑانے والوں میں سب سے پہلے تھے۔

این مقصود خداوند بود. ما از آینده هیچ بیمی نداریم، مگر آن گاه که فراموش کنیم خداوند در تجربه گذشته ما چگونه ما را هدایت کرده است، و هیچ بیمی نداریم مگر آن گاه که تعالیم خداوند را در تجربه گذشته خود به فراموشی بسپاریم. ما می‌گوییم که شما نمی‌توانید این هدایت را از تعلیم او جدا سازید.

خاکه حیات جیمز واث و ایلن جی واث 1888، صفحات 186-187: "خدا نے 1843 میں وقت کے گزر جانے کے ذریعے اپنے لوگوں کو آزمایا اور پرکھا۔ نبوی ادوار کا حساب لگانے میں جو غلطی—ایک منفرد غلطی—ان سے ہوئی، وہ فوراً اُن عالموں تک پر بھی منکشف نہ ہوئی جو مسیح کی آمد کے منتظر لوگوں کے نظریات کی مخالفت کرتے تھے۔ ان عمیق اہل علم نے اعلان کیا کہ وقت کے حساب میں مسٹر ملر درست تھے، اگرچہ وہ اُس واقعہ کے بارے میں اُن سے اختلاف رکھتے تھے جو اس مدت کو اپنے عروج تک پہنچاتا۔ لیکن وہ، اور خدا کے منتظر لوگ، وقت کے مسئلہ میں ایک مشترک خطا میں مبتلا تھے۔"

ما عمیقاً بر این باوریم که خدا، در حکمت خویش، چنین مقدر فرمود که قوم او با نومیادی ای روبه‌رو شوند که به‌خوبی برای آشکار ساختن دل‌ها و پرورش شخصیت‌های راستین سنجیده شده بود—نه تنها برای آن‌که دل‌های ایشان را آشکار سازد، بلکه تا شخصیت‌هایشان را نیز پرورش دهد و آن را به نقطه‌ای برساند که در بحرانی که در «ندای نیمه‌شب» فرا می‌رسد، به اثبات برسد. آنان که پیام فرشته اول را از ترس داورهای خدا پذیرفته بودند، نه بدان سبب که حقیقت را دوست می‌داشتند و میراثی در ملکوت آسمان می‌طلبیدند، اکنون در نور حقیقی خویش ظاهر شدند. ایشان از نخستین کسانی بودند که به نومیادشدگانی که صادقانه مشتاق و عاشق ظهور عیسی بودند، ریشخند زدند. این آزمون بس کاونده خدا، شخصیت‌های حقیقی کسانی را آشکار ساخت که در ساعت آزمایش، با انکار ایمان خود، از مسئولیت و ننگ می‌گریختند.

آنان که نومیاد شده بودند، در تاریکی رها نشدند؛ زیرا در جست‌وجوی دوره‌های نبوی با دعا‌های مشتاقانه، خطا آشکار گردید—آن خطای یگانه—و نیز دنبال کردن قلم نبوت در سراسر زمان درنگ. در انتظار شادمانه آمدن مسیح، درنگ ظاهری رؤیا در نظر گرفته نشده بود، و این امری اندوه‌بار و غیرمنتظره بود. با این همه، همین آزمون برای پرورش و استحکام مؤمنان صادق به حقیقت، بسیار ضروری بود. زمان درنگ بسیار ضروری بود. این زمان نه فقط می‌بایست آن دو طبقه را آشکار سازد و آغاز به تکوین خصلت‌های ایشان کند، خصلت‌هایی که در تاریخ فریاد نیمه‌شب تا بسته شدن در ظاهر می‌شد، بلکه برای تقویت کسانی که در این مسئله در جانب درست قرار می‌گرفتند نیز ضروری بود. شما نمی‌توانید زمان درنگ را از فریاد نیمه‌شب یا از بسته شدن در جدا سازید.

Когда вы отвергаете Полночный крик, вы отвергаете саму эту историю. Полночный крик — это не просто весть Самуила Сноу на лагерном собрании в Эксетере; это переживание времени замедления. Именно к этому вел Господь. Нам нечего бояться в будущем, разве только если мы забудем водительство Господа в нашей прошлой истории — этой истории времени замедления и Полночного крика, где Он доводит до кульминации Вечное Евангелие в миллеритской истории, производя два класса поклоняющихся

نوشته‌های نخستین، صفحه ۷۴: «دیدم که نمودار ۱۸۴۳ به هدایت دست خداوند تنظیم شده بود، و نباید در آن تغییری داده شود؛ و اینکه ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ و اینکه دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پنهان ساخت، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نتوانست آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد.»

راز بی‌قانونی و فرایند آزمون

اگر وقت داشتیم، می‌توانستیم دربارهٔ سرّ بی‌قانونی سخن بگوییم. سرّ بی‌قانونی می‌تواند بیش از یک تعریف درست داشته باشد، اما در اینجا به کار شیطان اشاره دارد در آمیختن شر با خیر، و حقیقت با خطا، در تاریخ‌های مقدس، آنجا که خداوند قوم خود را می‌آزماید. در تاریخ‌های مقدس کتاب مقدس، هر جا که خداوند قوم خود را به فرایند آزمون می‌آورد، همواره سرّ بی‌قانونی را خواهید دید—یعنی فعالیت شیطان در آمیختن حقیقت با خطا. هنگامی که مردم به این نقطه آزمون می‌رسند، سرّ بی‌قانونی مسائل را تیره و مبهم ساخته است.

هنگامی که زمان آزمون نوح فرا رسید، کتاب مقدس به ما می‌گوید که پیش از آن، نسل شیطان با نسل خدا آمیخته شده بود. همین امر سبب شد که سرّ بی‌قانونی در زمان نوح به کمال برسد؛ چنان‌که در سفر پیدایش بیان شده است: پسران خدا، دختران آدمیان را برای خود به زنی گرفتند—آمیختگی آن دو نسل، همان سرّ بی‌قانونی که پیش از آزمون نوح واقع می‌شود.

در آزمون موسی و دریای سرخ، کتاب مقدس بیان می‌کند که اسرائیل، که قرار بود در دریای سرخ و در سینا آزموده شود، پس از آن‌که مدتی طولانی در مصر مانده بود، به واسطهٔ تعالیم مصر فاسد شده بود. آن همان سرّ بی‌عدالتی بود—تحت تأثیر تعالیم شیطانی قرار گرفتن.

در زمان یهودیان، این تعالیم یونانی بود که راه را برای آن هموار ساخت تا سندهرین روند آزمون ایشان را رد کند.

در تاریخ میلریتی، میلریتیان درون کلیساهای پروتستان تازه از زیر نفوذ ۱۲۶۰ سالهٔ پاپی بیرون آمده بودند؛ نفوذی که بذر خالص را با بذر ناپاک فاسد ساخت و بدین‌سان سرّ بی‌دینی را پدید آورد؛ سیری که پیش از آزمون تاریخ میلریتی قرار داشت.

این همان راز شرارت است که همواره حاضر است.

اگر آپ به مطالعه کریس که بدکاری کا راز کیسه عمل کرتا ہے، تو Prophets** Prophets** and کے پہلے باب کی طرف رجوع کریں۔ سسٹر وائٹ ہمیں بتاتی ہیں کہ شیطان نے آسمان میں بدکاری کے راز کو کیسے انجام دیا۔ آسمان میں ایک آزمائش ہونے والی تھی کہ کون سے فرشتے قائم رہیں گے اور کون سے نکال دیے جائیں گے، اور شیطان اسی آزمائشی مرحلے سے پہلے آسمان ہی میں بدکاری کے راز کو عملی جامہ پہنا رہا تھا۔

شیطان این کار را با القای تردید، قرار دادن سخن خود برتر از کلام خدا، و مهم‌تر از همه، با واداشتن دیگران به بیان تعالیم دروغین خود—که فعالیتی شیرانه است—انجام داد. او در ذهن تو تردید می‌نهد، و سپس تو بیرون می‌رفتی و آن تردید را در برابر گروهی ابراز می‌کردی. اگر کسی از آن تردید شکایت می‌کرد، از تو شکایت می‌کرد، نه از او.

اخیراً یکی از شبانان در اسپوکن واشنگتن، دربارهٔ Early Writings، صفحه 74، چنین اظهار نظر کرد: «من به فرهنگ لغت روزگار الن وایت، یعنی فرهنگ ویستر، مراجعه کردم، و figures هیچ ارتباطی با حساب ندارد.» بیشتر کسانی که آن را شنیدند، آن را بررسی نمی‌کردند و سخن او را باور می‌کردند. دست‌کم، آن شبان دربارهٔ اینکه figures در این عبارت چه چیزی را نمایندگی می‌کند، بذر تردید می‌پاشید؛ اما در واقع، او دروغ می‌گفت. Webster's 1828 Dictionary می‌گوید: FIGURE, n. در علم حساب، نشانه‌ای که دلالت بر عدد دارد، مانند 2، 7، 9.

او شک و تردید را ابراز می‌کرد و کاری را انجام می‌داد که به‌عنوان سرّ بی‌انصافی معرفی شده است. او برای ادونت‌پست‌ها - اگر مایل باشند ببینند - روشن می‌ساخت که در این زمان از تاریخ زمین، باید

حقیقت را خود برای خویشتن دریابید و به انسان‌ها گوش نسیارید؛ زیرا «... زیرا که سرّ بی‌انصافی هم‌اکنون در عمل است: ...»

نوشته‌های آغازین، صفحه ۷۴: «... که ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست، و اینکه دست او بر روی یکی از ارقام بود و اشتباهی را پنهان می‌کرد، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند، تا زمانی که دست او برداشته شد.»

این گمراه‌سازی است، و الهی‌دانان غالباً چنین می‌کنند. اگر بخواهید بفهمید واژه‌ای در کتاب مقدس یا روح نبوت چه معنایی دارد، نخست به فرهنگ‌ها مراجعه نمی‌کنید؛ بلکه به نبی رجوع می‌کنید. برای مثال، دانیال در دانیال 8:11 از واژه عبری «rum» استفاده می‌کند که به «away» ترجمه شده است. مردم گمان می‌کنند معنای آن «برداشته شد» است، اما دانیال پنج بار دیگر نیز «rum» را به کار می‌برد، و این واژه هرگز به معنای «away» نیست، بلکه به معنای «بالا بردن و exalt کردن» است. بنابراین، این‌که کسی بپندارد «rum» در دانیال 8:11 به معنای «away» است، پیروی از سنت است، نه از شیوه‌ای که دانیال آن واژه را به کار برده است.

به همین‌سان، درباره‌ی الن وایت: اگر بخواهید ادعا کنید که در Early Writings, 74، واژه «figures» به معنای تصاویر هنری یا نگاره‌هاست، ممکن است بگویید: «فرهنگ لغت زمان الن وایت نمی‌گوید که figures به معنای حساب است»، با این امید که بیشتر مردم آن را بررسی نکنند. اما اگر بررسی می‌کردند، درمی‌یافتند که figures واقعاً به معنای حساب است.

لیکن سببِ پیله‌ی آپ خود ایلن وایت بی کی طرف رجوع کرتے ہیں: وہ «figures» سے کیا مراد لیتی ہیں؟ *Writings* 74 صفحہ میں وہ کہتی ہیں، "hand was over and hid a figures" mistake in some of the figures" اور صفحہ 236 میں وہ کہتی ہیں، "hand covered a periods" mistake in the reckoning of the prophetic periods" واضح کرتی ہے کہ اس کی اصطلاح «figures» سے مراد نبوتی ادوار ہیں—حساب، نہ کہ تصویری نمائش۔

پس، خداوند دست خود را بر چه چیزی نگاه داشت؟ او دست خود را بر خطایی در محاسبه‌ی دوره‌های نبوتی—ارقام—نگاه داشت.

تأیید ۲۵۲۰ از سوی الن وایت

Esta es la conclusión decisiva. Muchos están presentando el mismo mensaje que nosotros, y yo los apoyo. Pero cuando se trata del 2520 y de si Elena de White creía que era una profecía válida, este es el argumento—esta es la prueba y el punto donde usted debe comenzar. Todos los demás argumentos son válidos y verdaderos, pero este es el punto de partida

در کتاب «نوشته‌های نخستین»، صفحه ۷۴، آنجا که می‌گوید خداوند دست خود را بر روی اشتباهی در برخی از اعداد نگاه داشت، او در همان کتاب، در صفحه ۲۳۶، مقصود این سخن را چنین بیان می‌کند: «دیدم که قوم خدا با شادی در انتظار بودند و به سوی خداوند خویش می‌نگریستند. اما خدا قصد داشت آنان را بیازماید.» او درباره‌ی «زمان درنگ»، یعنی نخستین ناامیدی، سخن می‌گوید.

او درباره‌ی ناکامی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ سخن نمی‌گوید، زیرا آنان در آنجا نیز آزموده خواهند شد؛ بلکه در اینجا درباره‌ی زمان تأخیر سخن می‌گوید: «خدا قصد داشت آنان را بیازماید.» «دست او اشتباهی را در محاسبه‌ی ادوار نبوی پوشانید.» او چگونه می‌خواست آنان را به وسیله‌ی زمان تأخیر بیازماید؟ با نگاه داشتن دست خود بر فهم ایشان از ادوار نبوی. شما برای آینده چیزی برای ترسیدن ندارید، مگر آنکه

فراموش کنیم خداوند در گذشته، در تاریخ میلری ها و در تعالیم خویش، چگونه ما را هدایت کرده است.

این دوره‌های نبوی همان تعالیمی بودند که زمان تأخیر را پدید آوردند. «دست او اشتباهی را در محاسبه دوره‌های نبوی پوشانیده بود. آنان که در انتظار خداوند خود بودند، این اشتباه را کشف نکردند» —یک اشتباه، به صورت مفرد— «و دانشمندترین مردانی نیز که با آن زمان مخالفت می‌کردند، از دیدن آن عاجز ماندند. خدا قصد کرده بود که قوم او با نومییدی‌ای روبه‌رو شوند. زمان سپری شد، و آنان که با انتظار شادمانه چشم به راه نجات‌دهنده خود بودند، غمگین و دلسرد شدند؛ حال آنکه کسانی که ظهور عیسی را دوست نداشتند، بلکه از روی ترس این پیام را پذیرفته بودند، خرسند شدند که او در زمان مورد انتظار نیامد. اقرار ایشان بر دل اثر نگذاشته و زندگی را پاک نساخته بود. گذشتن آن زمان به خوبی محاسبه شده بود تا چنین دل‌هایی را آشکار سازد. آنان نخستین کسانی بودند که برگشتند و اندوهگینان نومییدشده‌ای را که حقیقتاً ظهور نجات‌دهنده خود را دوست می‌داشتند، به ریشخند گرفتند. من حکمت خدا را دیدم در اینکه قوم خود را می‌آزماید و به آنان امتحانی دقیق می‌بخشد تا کسانی را آشکار کند که در ساعت آزمایش عقب خواهند نشست و بازخواهند گشت.

عیسی و تمامی لشکر آسمانی با همدردی و محبت به کسانی می‌نگریستند که با انتظاری شیرین مشتاق دیدار او بودند که جان‌هایشان او را دوست می‌داشت. فرشتگان بر گرد آنان در پرواز بودند تا ایشان را در ساعت آزمایششان استوار بدارند. آنان که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت ورزیده بودند، در تاریکی واگذاشته شدند، و خشم خدا بر ضد ایشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برایشان فرستاده بود، بپذیرند. آن وفاداران نومییدشده، که نمی‌توانستند دریابند چرا خداوند گارشان نیامد، در تاریکی رها نشدند. بار دیگر به سوی کتاب مقدس‌هایشان هدایت شدند تا دوره‌های نبوی را جست‌وجو کنند. دست خداوند از روی اعداد برداشته شد، و آن خطا—یگانه—توضیح داده شد.

در اینجا او اشتباه ارقام موجود در نمودار ۱۸۴۳ را توضیح می‌دهد، و پیش‌تر نیز تصریح کرده است که آن ارقام نمایانگر دوره‌های نبوی هستند. «آنان دریافتند که دوره‌های نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یابد، و همان شواهدی که برای اثبات این که دوره‌های نبوی در ۱۸۴۳ پایان می‌پذیرد ارائه کرده بودند، ثابت می‌کرد که آن‌ها در ۱۸۴۴ به پایان خواهند رسید.» پایان بحث! الن وایت مهر تأیید خود را بر ۲۵۲۰ می‌نهد.

در جدول ۱۸۴۳ تنها سه دوره نبوی وجود داشت که آنان دریافتند در سال ۱۸۴۳ به پایان می‌رسد: ۱۳۳۵، ۲۵۲۰، و ۲۳۰۰. خداوند دست خود را بر اشتباهی در برخی از ارقام—دوره‌های نبوی این جدول—نگاه داشته بود تا زمانی که دست خود را برداشت. هنگامی که او دست خود را برداشت، منتظران امین هدایت شدند تا بار دیگر دوره‌های نبوی را مطالعه کنند و دریافتند که همان شواهدی که آنان را به اعلام این امر رهنمون شده بود که دوره‌های نبوی در ۱۸۴۳ خاتمه یافته‌اند، آنگاه شناخته شد که ثابت می‌کند دو دوره در ۱۸۴۴ پایان یافته‌اند.

۱۳۳۵ از سال ۵۰۸ آغاز می‌شود و در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد. ۲۵۲۰ از ۶۷۷ ق.م. آغاز می‌شود و از کمال سال متأثر است. پیشگامان می‌پنداشتند که این نبوت در ۱۸۴۳ پایان یافته است، اما بعدها دریافتند که همان شواهدی که آنان را به پیش‌بینی ۱۸۴۳ رهنمون ساخته بود، ثابت می‌کرد که نبوت ۲۵۲۰ در ۱۸۴۴ پایان یافته است. نبوت ۲۳۰۰ از ۴۵۷ ق.م. آغاز می‌شود، و آنان گمان می‌بردند که در ۱۸۴۳ پایان می‌یابد؛ اما پس از نومییدی، از طریق مطالعه دوره‌های نبوی، دریافتند که در ۱۸۴۴ پایان یافته است.

صرف سه نبوت وجود دارد که ایشان پیش‌بینی می‌کردند در سال ۱۸۴۳ به پایان برسند، و یکی از آن‌ها چنین می‌شود: ۱۳۳۵. این نبوت همان نبوتی نیست که خداوند دست خود را بر آن نگاه داشت. این نبوت تاریخ میلری‌ها را از زمان تأخیر، از خلال فریاد نیمه‌شب، تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ مشخص می‌کند.

در ارائه دیروز، با این نقل قول از الن وایت به پایان رساندیم: «خوشا به حال چشمانی که چیزهایی را دیدند که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد.» این همان «خوشا به حال آن که به ۱۸۴۳ می‌آید» است. در پاراگراف بعد، او می‌گوید: «پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق است؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی به تعیین خدا پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت. آنگاه دانیال در قرعه خود خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد.» Manuscript Releases, جلد ۲۱، ۴۳۷.

دانیال که در قسمت خویش ایستاده است، آیه ۱۳ از دانیال ۱۲ است. «خوشا به حال چشمانی که چیزهایی را دیدند که در ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد» آیه ۱۲ است. الن وایت تفسیر الهی بر دانیال ۱۲:۱۲-۱۳ ارائه می‌کند و می‌گوید که این آیات درباره یک نبوت زمانی نیست، بلکه درباره تجربه‌ای است که ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ را دربر می‌گیرد؛ تجربه‌ای که از سوءبرداشت ۱۸۴۳ پدید آمد و زمانی تأخیر را به وجود آورد. هنگامی که زمان تأخیر فرا می‌رسد، «خوشا به حال کسی که انتظار می‌کشد.» هرچند رؤیا درنگ کند، برای آن منتظر بمان. خوشا به حال آن کسی که از زمان تأخیر تا هنگامی که در بسته شود، وفادارانه انتظار می‌کشد. آنچه وفاداران در ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ می‌بینند، برکتی است که او را به قدس‌الاقداص رهنمون می‌شود.

نبوت ۱۳۳۵ در سال ۱۸۴۳ به پایان رسید و فرا رسیدن فریاد نیمه‌شب را نشان داد. دوره‌های نبوی ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ در سال ۱۸۴۴ پایان می‌یابند. الن وایت می‌گوید که همان شواهدی که آنان را بر آن داشت اعلام کنند که ۲۵۲۰، ۲۳۰۰ و ۱۳۳۵ در سال ۱۸۴۳ پایان یافته‌اند، سپس چنین شناخته شد که ثابت می‌کند آن‌ها در سال ۱۸۴۴ خاتمه خواهند یافت.

نور کلام خدا بر موقف ایشان تابید، و آنان زمانی برای درنگ را کشف کردند—«اگرچه آن [رؤیا] تأخیر نماید، برای آن منتظر بمان.» در محبت ایشان به آمدن فوری مسیح، تأخیر رؤیا را، که مقدر شده بود تا منتظران حقیقی را آشکار سازد، از نظر دور داشته بودند. بار دیگر ایشان نقطه‌ای از زمان داشتند. باین‌حال، دیدم که بسیاری از ایشان نتوانستند از فراز نومی‌شدی شدید خویش برخیزند تا آن درجه از غیرت و نیرو را به دست آورند که ایمان ایشان را در سال 1843 مشخص ساخته بود.

شیطان و فرشتگان او بر آنان پیروز شدند، و کسانی که نمی‌خواستند پیام را بپذیرند، خود را به سبب دوراندیشی داوری و حکمتی که، به زعم ایشان، در نپذیرفتن آن فریب داشتند، تهنیت می‌گفتند. آنان در نمی‌یافتند که مشورت خدا را بر ضد خویشستن رد می‌کنند و با شیطان و فرشتگان او همدست می‌شوند تا قوم خدا را، که در حال زیستن پیام فرستاده‌شده از آسمان بودند، در حیرت و سرگشتگی افکنند.

در این تاریخ، دو طبقه از عبادت‌کنندگان وجود دارند. طبقه بی‌وفا، منتظران را به ریشخند می‌گیرد؛ اما منتظران به دوره‌های نبوی بازگردانده می‌شوند و درمی‌یابند که همان شواهدی که آنان را به تشخیص پایان 2520 و 2300 در 1843 رهنمون شد، ثابت می‌کرد که آن‌ها در 1844 به پایان رسیده‌اند.

اگرچه منتظران این را تشخیص داده بودند، اما نسبت به خداوند همچون پیش از نخستین ناامیدی، آن‌چنان مشتعل نبودند. ایشان با پیام ندای نیمه‌شب بار دیگر افروخته می‌شدند. منتظران پیش از ندای نیمه‌شب، سال ۱۸۴۴، پایان نبوت‌ها را، از پیش درک کرده بودند.

پیام فریاد نیمه‌شب به منتظران امکان داد تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را مشخص سازند. با آن آگاهی، موضوع دیگر صرفاً زمانی نامعین در سال ۱۸۴۴ نبود؛ بلکه دقیقاً همین روز بود، و همین امر به آن پیام قوت بخشید.

کیا آپ اس عمل کو دیکھتے ہیں؟ وہ تعلیمات جو اس تجربے کو پیدا کرتی ہیں، تین پیشین گوئیاں ہیں: 1335، 2300، اور 2520.

پس از آنکه این را دریافتند، به اعلام این ندا آغاز کردند: «از بابل بیرون آیید.» این پیام فرشته دوم است.

اجازه دهید روشن سخن بگوییم: در زمان تأخیر چه چیزی پایان می‌یابد؟ کاربرد نمودار ۱۸۴۳. آنان این نمودار را کنار گذاشتند، زیرا اکنون دریافته بودند که خداوند در سال ۱۸۴۴ می‌آید، حال آنکه نمودار سال ۱۸۴۳ را نشان می‌داد. از این رو، آنان این نمودار را در تاریخ پیام فرشته دوم کنار نهادند.

پیام آنان در تاریخ فرشته دوم به چه صورت درمی‌آید؟ بند آخر توضیح می‌دهد.

باورمندان این پیام در کلیساها تحت ستم بودند. برای مدتی، آنان که نمی‌خواستند این پیام را بپذیرند، از بیم آنچه ممکن بود پیش آید از آن بازداشته شده بودند که احساسات دل‌های خود را به عمل آورند؛ اما سپری شدن آن زمان، احساسات حقیقی ایشان را آشکار ساخت. آنان می‌خواستند آن شهادتی را که منتظران خود را ناگزیر از ادای آن می‌دیدند خاموش سازند، یعنی این که ادوار نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد داشت.

چه دوره‌های نبوی؟ ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰. این، پیام آنان در این تاریخ است. اکنون می‌گویند: «ما آن را دریافتیم! این نبوت‌ها تا ۱۸۴۴ امتداد می‌یابند.» پیام آنان در تاریخ فریاد نیمه‌شب، نبوت‌های ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ ساله است.

«تا مدتی، کسانی که پیام را نمی‌پذیرفتند، از ترس بازداشته می‌شدند که احساسات دل‌های خود را به عمل آورند؛ اما سپری شدن آن زمان، احساسات حقیقی ایشان را آشکار ساخت. آنان می‌خواستند شهادتی را که منتظران خود را ناگزیر از ادای آن می‌دیدند خاموش سازند، مبنی بر اینکه دوره‌های نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یافت. ایمانداران با وضوح، اشتباه خود—اشتباهی یگانه—را توضیح دادند و دلایلی را که چرا انتظار داشتند خداوندشان در ۱۸۴۴ بیاید، بیان کردند. مخالفان ایشان هیچ استدلالی بر ضد دلایل نیرومند ارائه شده نمی‌توانستند بیاورند. با این همه، خشم کلیساها افروخته شد؛ ایشان مصمم بودند که به دلایل گوش نسیارند و شهادت را از کلیساها بیرون نگاه دارند، تا دیگران نتوانند آن را بشنوند.»

چه رخ می‌دهد هنگامی که ۲۵۲۰ را در ارتباط با ۲۳۰۰ روز مطرح می‌کنید؟ در تاریخ میلریتی، از کلیساها رانده می‌شوید و تلاشی برای خاموش ساختن آن پیام صورت می‌گیرد.

«آنان که جرأت نکردند نوری را که خدا به ایشان داده بود از دیگران دریغ دارند، از کلیساها بیرون رانده شدند؛ اما عیسی با ایشان بود، و آنان در نور رخسار او شادمان بودند. ایشان برای دریافت پیام فرشته دوم آماده شده بودند.» Early Writings, 235–237.

بدون الدخول في دراسة عن الـ2520، فإن ما نحاول إظهاره هو أن إلن هوأيت تضع ختم موافقتها على الـ2520. وإذا كنت لا تستطيع أن ترى هذا، فأنت بحاجة إلى أن تصلي لكي يزيل يسوع القشور عن عينيك. لقد قالت إلن هوأيت إن الدليل نفسه الذي قادهم إلى التنبؤ بعام 1843 قد ظهر حينئذٍ لبثت أن هذه الفترات النبوية انتهت في عام 1844. وهي دائماً ما تُعرّف الفترات النبوية، أو الأرقام، بصيغة الجمع. ولا توجد على لوحة 1843 سوى ثلاث فترات نبوية انتهت في عام 1843.

آن دوره‌ای که در سال ۱۸۴۳ پایان می‌یابد، یعنی ۱۳۳۵، برای صحت دستوری، دست‌کم به دو دوره نبوی نیاز دارد تا او بتواند بگوید «ارقام» و «دوره‌های نبوی». اگر سه دوره وجود داشته باشد و شما یکی را حذف کنید، آنگاه آن دو دوره‌ای که او تأیید می‌کند ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ هستند، فارغ از اینکه دیگران

چه بگویند.

در این تاریخ، از جمله ناامیدی عظیم ادونتئیست‌ها در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، خداوند در حال پدید آوردن تجربه‌ای بود که در آن ایشان از کلیساها بیرون رانده می‌شدند تا نه بر نفوذ انسان‌ها، بلکه بر کلام خدا استوار بایستند. آنان به آن تجربه نیاز داشتند تا ایمانی داشته باشند که با عیسی مسیح به قدس‌الاقداص داخل شوند. او ایشان را کامل می‌ساخت تا انجیل جاودان را به انجام برساند.

شهادت پیشگامان: جیمز وایت و اوریا اسمیت

در ادامه، با دو تن از پیشگامان، جیمز وایت و اوریا اسمیت، روبه‌رو هستیم. اینان مردان اصلی‌ای هستند که الهی‌دانان معاصر برای اثبات این ادعا به آنان استناد می‌کنند که جیمز وایت در سال ۱۸۶۳ عدد ۲۵۲۰ را رد کرد و اوریا اسمیت نیز در نوشته‌های خود در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ آن را رد نمود.

ما به سال ۱۸۴۴ و اندکی پس از آن بازمی‌گردیم تا ببینیم جیمز وایت و اوریا اسمیت این تاریخ عیناً یکسان را که الن وایت به‌تازگی توصیف کرده است، چگونه شرح می‌دهند. او از ادوار نبوی و از اینکه خداوند دست خود را برداشت و خطا آشکار شد سخن می‌گوید، و این دو پیشگام نیز همین‌گونه می‌کنند.

ایلم وایت عبارت «2520» یا «هفت زمان» را به‌کار نمی‌برد، اما اوریا اسمیت و جیمز وایت چنین می‌کنند. آنان به‌روشنی بیان می‌کنند که دوره‌های نبوی شناخته‌شده در این تاریخ، 2520 و 2300 بوده‌اند.

جیمز وایت، Review and Herald، جلد 1، 9 ژوئیه 1851: «معترضی می‌گوید: "من باور ندارم که ندای نیمه‌شب هنوز داده شده باشد." ما نیز باور نداریم که ندای نیمه‌شب به گوش ما رسیده باشد، یا اینکه هرگز خواهد رسید. ندای مذکور در متی 25:6، "اینک داماد می‌آید"، در چارچوب تاریخیچه یک ازدواج شرقی است. اما اینکه در پاییز 1844 ندایی داده شد و از سوی تمامی بدنه ادونتئیست به‌طور کامل پذیرفته گردید، و این ندا به‌خوبی با ندای نیمه‌شبِ مثل قابل مقایسه است، نباید از سوی کسانی که در آن تجربه‌ای داشته‌اند انکار شود.»

جیمز وایت با تاریخی سر و کار دارد که در آن مردم فریاد نیمه‌شب را رد می‌کنند و از مسیر فرو می‌افتند. او در پاسخ به این امر سخن می‌گوید و این تاریخ را بررسی خواهد کرد.

این در وقت مناسب آمد. ندای مثل بی‌درنگ پس از تأخیر، و پس از چرت زدن و به خواب رفتن، برخاست. این ندا پس از تأخیر ما، هنگامی که مایوس شده بودیم، پدید آمد و در حالی به گوش ما رسید که در حالت رخوت بودیم. آن ندا ده باکره را بیدار ساخت و ایشان را برانگیخت تا چراغ‌های خود را اصلاح کنند. این امر، همراه با قدرت روح، قوم منتظر ظهور را بیدار کرد و آنان را بر آن داشت که کتاب مقدس را چنان‌که هرگز پیش از آن جست‌وجو نکرده بودند، بکاوند، و خویشتن و دارایی‌های دنیوی خود را به تمامی به خداوند تخصیص دهند. آنان که ندا دادند که خداوند در ماه هفتم سال 1844 خواهد آمد، به‌روشنی دیدند که ادوار نبوی تا آن زمان امتداد می‌یافت؛ از این‌رو، همان شواهدی که از آن ادوار برای اثبات این‌که ظهور در 1843 خواهد بود ارائه شده بود، ثابت می‌کرد که در 1844 خواهد بود. آنگاه دریافتیم که در آن شیوه محاسبه که 2300 روز را در 1843 پایان می‌داد، خطایی وجود داشت. هیچ‌یک از آنان که بر ضد ظهور نوشتند، آن را ندیدند. دست‌عنایت—با «ع» بزرگ—آن خطا—به صورت مفرد—را پوشانیده بود تا زمانی که وقت آشکار شدن آن فرا رسد. خطا در این بود که از 2300، چهارصد و پنجاه و هفت سال کامل کسر می‌کردند، و بدین‌سان 1843 باقی می‌ماند، بی‌آن‌که هیچ اعتباری برای آن بخش از سال 457 ق.م. که گذشته بود، در زمانی که فرمان صادر شد و هفتاد هفته از آن محسوب می‌شود، منظور شود.

«اذهان ما به آن مقطع زمانی، [1843]، معطوف شد، از آن رو که با محاسبه دوره‌های گوناگون نبوتی از آن سال‌هایی که بهترین گاه‌شماران تحقق آن رویدادهایی را که قرار بود آغاز آن‌ها را مشخص سازند به آن‌ها نسبت می‌دهند، همگی چنان می‌نمود که در همان سال پایان می‌یابند.» اکنون او به ما دوره‌های نبوی‌ای را می‌گوید که آنان می‌پنداشتند در سال 1843 به پایان می‌رسید. «اما این فقط ظاهری بود.» فقط به ظاهر چنین می‌نمود که آن‌ها در سال ۱۸۴۳ پایان یافته‌اند. آنان درمی‌یافتند که در سال ۱۸۴۴ پایان یافته‌اند.

«ما "هفت زمان"، یا 2520 سال، را از اسارت منسی محسوب می‌کنیم، که به اتفاق نظر فراوان گاه‌شماران در سال 677 ق.م. قرار داده شده است.» این‌ها همان دوره‌های نبوی بودند که با آن‌ها سروکار داشتند. «این تاریخ تنها تاریخی بوده است که ما هرگز برای آغاز این دوره از آن محاسبه کرده‌ایم؛ و با کسر کردن 677 ق.م. از 2520 سال، 1843 م. باقی می‌ماند. با این حال، ما توجه نداشتیم که چون برای تکمیل 2520 سال، 677 سال کامل ق.م. و 1843 سال کامل م. لازم بود، این امر همچنین ما را ملزم می‌ساخت که این دوره را تا هر مقدار از سال 1844 که ممکن بود پس از آغاز 677 ق.م. شروع شده باشد، امتداد دهیم.»

دوره‌های نبوی که «دست عنایت الهی دست او را بر آن خطا نگاه داشت»، شامل ۲۵۲۰ نیز می‌شد.

اوریا اسمیت: «چون زمان از ۱۸۴۳ فراتر رفت، بسیاری آغاز کردند به جست‌وجوی علل یأس خود در خصوص سال‌های مورد انتظارشان. آنگاه دیده شد که اگر همه ادوار نبوی را از سال‌های پیش از میلاد آغاز کنیم، همان‌گونه که همواره آغاز آن‌ها را چنین تاریخ‌گذاری کرده بودیم، آن‌ها، حتی بر این فرض که گاه‌شماری ما و تاریخ آغازشان درست باشد، به‌طور متناظر تا زمانی در خلال سال ۱۸۴۴ به انجام نمی‌رسند. بدین‌سان، از میان هفت زمان، یا ۲۵۲۰ سال، که از ۶۷۷ ق.م. آغاز می‌شود—یوبیل عظیم، یا ۲۴۵۰ سال [که نه در نمودار ۱۸۴۳ و نه در نمودار ۱۸۵۰ نشان داده نشده است]، که از ۶۰۷ ق.م. آغاز می‌شود—و ۲۳۰۰ سال دانیال، که از ۴۵۷ ق.م. آغاز می‌شود—از آنجا که بخشی از هر یک از آن سال‌ها، که ادوار نبوی به‌ترتیب از آن‌ها تاریخ‌گذاری شده بودند، پیش از وقوع رویدادهای گوناگونی که آغاز آن‌ها را معین می‌کرد، سپری شده بود، لازم می‌آمد که آن‌ها به همان اندازه در ۱۸۴۴ امتداد یابند که به‌ترتیب پس از آغاز سال‌های پیش از میلادی که جداگانه از آن‌ها محاسبه می‌شوند آغاز شده بودند، تا یا شمار سال‌های هر یک کامل شود، یا درستی گاه‌شماری ما آزموده گردد. اما هیچ قرینه‌ای درباره زمان آغاز این ادوار گوناگون در سال‌های مربوط پیش از میلاد وجود نداشت؛ و در نتیجه، زمان پایان آن‌ها در سال ختمشان را نمی‌شد به‌دقت مشخص کرد.»

اوریا اسمیت و جیمز وایت هر دو شهادت می‌دهند که دوره‌های نبوی‌ای که پذیرفته شده بود در سال ۱۸۴۴ به پایان رسیده‌اند، عبارت بودند از ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ سال، و در این باره همان تعبیراتی را به کار می‌برند که الن وایت در Early Writings، صفحه ۲۳۶ و صفحات پس از آن، به کار برده است.

زنجیره حقیقت: نقاط آغاز ویلیام میلر

نوشته‌های نخستین، صفحه ۲۳۰: «خدا فرشته خود» —فرشته جبرائیل— «را فرستاد تا بر دل یک کشاورز» —ویلیام میلر— «تأثیر گذارد؛ کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت، تا او را به جست‌وجوی نبوت‌ها رهبری کند. فرشتگان خدا بارها و بارها از آن برگزیده دیدار کردند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت‌هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک بوده‌اند، بر فهم او بگشایند. آغاز زنجیره حقیقت به او داده شد، و او رهبری شد تا حلقه پس از حلقه را بجوید، تا آن‌که با شگفتی و اعجاب به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره‌ای کامل از حقیقت دید. آن کلامی که او آن را غیرالهامی شمرده بود، اکنون با زیبایی و جلال خود پیش دیدگانش گشوده شد. او دید که بخشی

از کتاب مقدس، بخش دیگر را توضیح می‌دهد،»

جبریل نے اسے وہ طریقہ دکھایا جسے ہم آیتوں سے استدلال کرنا کہتے ہیں—سطر پر سطر، یہاں تھوڑا اور وہاں تھوڑا۔

جبرائیل نے اسے سلسلہ حق کے آغاز اور نصوص مقدسہ سے استدلال کرنے کا طریقہ عطا کیا۔

ویلیام میلر، ۱۸، Advent Review and Sabbath Herald، آوریل ۱۸۵۴: «از مطالعه بیشتر کتب مقدس، به این نتیجه رسیدم که هفت زمان سیادت امت‌ها می‌بایست از هنگامی آغاز شود که یهودیان، در اسارت منسی، از آن که قومی مستقل باشند بازایستادند، که بهترین گاه‌شماران آن را به سال ۶۷۷ پیش از میلاد نسبت داده‌اند؛ و این که ۲۳۰۰ روز با هفتاد هفته آغاز شد، که بهترین گاه‌شماران آن را از سال ۴۵۷ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری کرده‌اند؛ و این که ۱۳۳۵ روز، که با برداشته شدن قربانی دائمی و برپا شدن مکروه ویرانگر [دانیال ۱۲:۱] آغاز می‌شود، می‌بایست از برپا شدن سیادت پاپی، پس از برجیده شدن مکروهات بت‌پرستانه، محاسبه گردد، و این، بنا بر بهترین مورخانی که توانستم به آنان مراجعه کنم، باید از حدود سال ۵۰۸ تاریخ‌گذاری شود.»

الن وایت می‌گوید که جبرئیل آغاز زنجیره حقیقت را به ویلیام میلر داد، و ویلیام میلر شهادت می‌دهد که سه نقطه آغازی که به او داده شد ۵۰۸، ۶۷۷ ق.م، و ۴۵۷ ق.م هستند. نقاط آغاز این نبوت‌ها که تاریخ ندای نیمه‌شب را پدید آوردند، از سوی فرشته جبرئیل به او داده شد.

آخری فریب: روح نبوت کا انکار

پیام‌های برگزیده، جلد ۱، صفحه ۴۸: «شیطان . . . پیوسته در کار پیش نهادن امر جعلی است تا از حقیقت منحرف سازد. آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند.» آخرین فریب شیطان این است که روح نبوت را نابود سازد.

اگر شما این حقایق بنیادی را رد کنید، در همان حال روح نبوت را نیز رد می‌کنید. الن وایت تأیید خود را بر ۲۵۲۰ نهاده است. ۲۵۲۰ را رد کنید، و در این صورت هم نوزاد را بیرون می‌اندازید و هم آب حمام را.

«شیطان . . . پیوسته امر مجعول را پیش می‌نهد—تا از حقیقت منحرف سازد. واپسین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند. "هر جا رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند" (امثال ۲۹:۱۸). او درباره رد کردن روح نبوت سخن می‌گوید و در پیوند با آن می‌گوید که اگر روح نبوت را رد کنید، هر جا رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند. رؤیا چیست؟ اگر روح نبوت را رد کنید، آن رؤیایی که از آن محروم می‌مانید چیست؟

«رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن بساز، تا هر که آن را می‌خواند، بدود.» حبقوق ۲:۲ (KJV).

اگر روح نبوت را رد کنید، نمودار ۱۸۴۳ را نیز رد خواهید کرد؛ و اگر این نمودار را رد کنید، روح نبوت را رد می‌کنید.

شیطان به گونه‌ای ماهرانه، به شیوه‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقی‌مانده خدا را به شهادت راستین متزلزل سازد. «نفرتی بر ضد شهادت‌ها برانگیخته خواهد شد که ماهیتی شیطانی دارد.» گاه «شیطانی» را به اعمالی شوم و هولناک تعبیر می‌کنیم، اما در Prophets* and Prophets* به ما گفته شده است که شیطان با القای تردیدها عمل می‌کند. این همان حمله شیطانی بر ضد روح نبوت و این حقایق بنیادی است. این کار به وسیله کسانی انجام می‌شود که بنا بر انتظار، باید به آنان اعتماد داشته باشیم و آنان این تردیدها را القا می‌کنند.

شهادت‌ها نفرتی شیطانی برخواهد انگيخت. عملکردهای شیطان این خواهد بود که ایمان کلیساها را نسبت به آن‌ها متزلزل سازد، و سبب آن این است: شیطان نمی‌تواند چنین راهی هموار و بی‌مانع داشته باشد تا فریب‌های خود را وارد سازد و جان‌ها را در اوهام خویش به بند کشد، اگر هشدارها و توبیخ‌ها و اندرزهای روح خدا مورد اعتنا قرار گیرند.» Selected Messages, book 1, 48

बात किसी हमें लयि के भवषिय कहि हैं कहती व्हाइट ससिटर जब तब, है लाते पर समाप्त को वषिय इस हम जब के प्रभु जसि कहि हैं रहा कह यह मैं तो, जाँ भूल को मार्गदर्शन के प्रभु हम कहि इसके सविय, है नहीं भय का द "जो इतहास वही—है इतहास का तक द्वार बंद लेकर से टाइम टैरिगि वह, है करती बात वे की मार्गदर्शन सविय, है नहीं भय का बात किसी हमें लयि के भवषिय है। गया कयि अभवियक्त द्वारा शब्द" क्राइ मडिनाइट उन और, कयि कैसे मार्गदर्शन हमारा में अनुभव के" क्राइ मडिनाइट द "ने प्रभु कहि जाँ भूल हम कहि इसके तीन वे, कयि उत्पन्न को अनुभव इस जनिहोने, शकिषाँ वे हैं। संबद्ध से मार्गदर्शन इस जो भी को शकिषाओं दी को मलिर वलियिम ने गैबरियल स्वर्गदूत जो है होता से तथियिों उन आरम्भ जनिका, हैं भवषियवाणयिों-समय जनिमें, जाँ भूल को शकिषाओं इन हम कहि इसके सविय, है नहीं भय का बात किसी हमें लयि के भवषिय थी। मलिराइट्स ने प्रभु जबकि, कयि उत्पन्न को अनुभव के" क्राइ मडिनाइट द "जनिहोने, है सम्मलिति भी 2520 कयि। मार्गदर्शति से माध्यम के चरमबनिद के सुसमाचार सनातन को

یک چیز مسلم است: آن آدونتیست‌های روز هفتم که موضع خود را زیر پرچم شیطان اختیار می‌کنند، نخست ایمان خویش را به هشدارها و توبیخ‌های مندرج در شهادت‌های روح خدا واخواهند گذاشت.

اگر شما بنیان‌ها را رد می‌کنید، روح نبوت را رد می‌کنید. اگر روح نبوت را رد می‌کنید، بنیان‌ها را رد می‌کنید. این دو با یکدیگر همراه‌اند. جایی که روح نبوت نباشد، رؤیا نیست.

دعوت به تخصیص بیشتر و خدمتی مقدس‌تر در حال ایراد شدن است و همچنان ادامه خواهد یافت. برخی که اکنون القائات شیطان را بر زبان می‌آورند، به خود خواهند آمد. کسانی در مناصب مهم امانت هستند که حقیقت مخصوص این زمان را درک نمی‌کنند. پیام باید به ایشان رسانده شود. اگر آن را بپذیرند، مسیح ایشان را خواهد پذیرفت و آنان را همکاران خود خواهد ساخت. اما اگر از شنیدن این پیام سر باز زنند، جایگاه خود را زیر پرچم سیاه رئیس تاریکی اختیار خواهند کرد.

به من دستور داده شده است که بگویم حقیقت گران‌بهای مخصوص این زمان، هرچه بیشتر و روشن‌تر بر اذهان آدمیان گشوده می‌شود. به معنایی خاص، مردان و زنان باید از جسم مسیح بخورند و خون او را بنوشند. فهم و ادراک رشد خواهد یافت، زیرا حقیقت قابلیت گسترش پیوسته را دارد. پدیدآورنده الهی حقیقت، با کسانی که برای شناختن او به پیش می‌روند، به مشارکتی هرچه نزدیک‌تر و نزدیک‌تر درخواهد آمد. چون قوم خدا کلام او را همچون نان آسمان دریافت کنند، خواهند دانست که طلوع او همچون صبح مهیا شده است. آنان قوت روحانی خواهند یافت، همان‌گونه که بدن، هنگامی که خوراک خورده می‌شود، قوت جسمانی را دریافت می‌کند.

ما نقشهٔ خداوند را در بیرون آوردن بنی‌اسرائیل از بندگی مصر و هدایت ایشان از میان بیابان به کنعان، آن‌چنان‌که باید، در نمی‌یابیم.

"چون پرتوهای الهی تابان از انجیل را گرد می‌آوریم، بینشی روشن‌تر نسبت به نظام یهودی خواهیم یافت، و قدردانی‌ای عمیق‌تر از حقایق مهم آن به دست خواهیم آورد. کاوش ما در حقیقت هنوز کامل نیست. ما تنها چند شعاع نور را گرد آورده‌ایم. آنان که هر روزه شاگردان کلام نیستند، مسائل نظام یهودی را حل نخواهند کرد. آنان حقایقی را که به وسیله خدمت هیکل تعلیم داده شده است، درک نخواهند کرد. کار خدا به سبب درکی دنیوی از نقشه عظیم او بازداشته می‌شود.

حیات آینده معنای احکامی را آشکار خواهد ساخت که مسیح، در حالی که در ستون ابر مستور بود، به قوم خود عطا فرمود. "Spalding and Magan, 305, 306.

آن ادونتیستهایی که نشان وحش را دریافت می‌کنند و زیر پرچم شیطان می‌ایستند، نخست روح نبوت را رد می‌کنند.

در این بخش دو طبقه وجود دارند: آنان که در پی شناختن خداوند ادامه می‌دهند، همچنان از جسم او می‌خورند و خون او را می‌نوشند، و پیوسته به مطالعه کلام خدا مشغول‌اند، و آنان که چنین نمی‌کنند. تکامل حقیقت به پایان نرسیده است؛ آنان درباره خدمت قدس سخنانی خواهند گفت که هنوز گفته نشده است. آنان بر تغییر تدبیر در زمان مسیح تأکید خواهند کرد، تغییری که دگرگونی دوران میلری را از پیش تصویر می‌کرد و به سوی آن تدبیر اشاره داشت که در آن مسیح از داوری مردگان به داوری زندگان انتقال می‌یابد. آنان درباره قدس و نیز این که خداوند در این تغییرات تدابیر، حرکات خود را با افاضه روح خویش نشان‌دار می‌سازد، مطالبی خواهند گفت.

دو نقل قول دیگر، و نزدیک است که به پایان برسیم.

آنان از ادونتیستهای روز هفتم که فریاد نیمه‌شب را رد می‌کنند، از راه فرو می‌افتند و هدایت‌های خداوند و تعالیم اعتقادی‌ای را که تاریخ فریاد نیمه‌شب را پدید می‌آورد، انکار می‌نمایند. آنچه باید از آن ترسیم همین است—اینکه آن تعالیم را رد کنیم و آن تجربه را درک ننماییم. با چنین کاری، ما روح نبوت را رد می‌کنیم.

خواهر وایت مَهر تأیید خود را بر ۲۵۲۰ می‌نهد. ما نشان خواهیم داد که او چگونه مَهر تأیید خود را بر سایر حقایق موجود در نمودار ۱۸۴۳ نیز می‌نهد.

در پایان جهان، آنگاه که همه اینها در تاریخ ما به اوج انجیل جاودان می‌رسد، ادونتیسم با فرایند سه مرحله‌ای آزمونی روبه‌رو خواهد شد که از پیش به صورت نمادین ترسیم شده است، چنان که در تجربه ویلیام میلر مشاهده می‌شود.

ویلیام میلر سه اشتباه مرتکب شد: (۱) او ندای نیمه‌شب را رد کرد و از راه به جهان شریر پایین سقوط کرد. (۲) پس از آن، به نفوذ انسانی، یعنی جاشوا هایمز، اعتماد کرد. (۳) او سبت را رد کرد.

Surgió una pregunta: «¿Rechazó él el sábado o el Santuario?» Es posible que Miller no hubiera comprendido plenamente la enseñanza que, en aquel período, pasó del santuario en la tierra al Santuario en el Cielo. Cuando Elena de White fue guiada al Lugar Santísimo, vio los Diez Mandamientos en el arca del pacto, y el mandamiento del sábado tenía un resplandor santo a su alrededor

آنچه میلر رد کرد، شریعت خدا بود—سبت. پس، میلر ندای نیمه‌شب را رد کرد، سپس بر بشر تکیه نمود، و آنگاه نشان وحش را پذیرفت. این امر در پایان جهان تکرار می‌شود.

شهادتات، المجلد 5، الصفحة 211: «هنا نرى أن الكنيسة — مقدس الرب — كانت أول من شعر بضربة غضب الله. إن الشيوخ، أولئك الذين كان الله قد أعطاهم نوراً عظيماً، والذين وقفوا حراساً على المصالح الروحية للشعب، قد خانوا أمانتهم.»

او درباره حزقیال ۸ و ۹، یعنی مَهر شدن، سخن می‌گوید. خواهر وایت می‌گوید که مَهر شدن در حزقیال ۹ همان مَهر شدن مکاشفه ۷ است. او درباره دوره زمانی مَهر شدن ۱۴۴,۰۰۰ سخن می‌گوید. او می‌گوید کسانی که می‌بایست نگهبانان باشند، به امانت سپرده‌شده به خود خیانت کرده بودند.

«آنان این موضع را اختیار کرده بودند که ما نیازی نداریم در جست‌وجوی معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا، همچون روزگاران پیشین، باشیم. زمانه دگرگون شده است.» نخستین اشتباه ایشان این بود که با فریاد نیمه‌شب مخالفت کردند و گفتند: «آنچه در این تاریخ فریاد نیمه‌شب واقع شد، تکرار نمی‌شود.»

آنان از راه منحرف می‌شوند.

«یه الفاظ آن کے ایمانی کو تقویت دیتے ہیں، اور وہ کہتے ہیں: خداوند نہ بھلائی کرے گا، نہ پدی۔ وہ اس قدر رحیم ہے کہ اپنے لوگوں پر عدالت کے ساتھ نزول نہ کرے۔ یوں 'سلامتی اور امن' ان لوگوں کی صدا ہے جو پھر کبھی اپنی آواز نرسنگے کی مانند بلند نہ کریں گے تاکہ خدا کے لوگوں پر ان کی خطائیں ظاہر کریں اور یعقوب کے گھرانے پر ان کے گناہ۔ یہ گونگے کتے، جو بھونکنا نہ چاہتے تھے، وہی ہیں جو ایک آزرده خدا کے عادلانہ انتقام کو محسوس کرتے ہیں۔ مرد، کنواریاں، اور ننھے بچے سب کے سب اکٹھے ہلاک ہو جاتے ہیں۔" Testimonies, جلد 5، 211.

ارمیا، در سخن گفتن از دومین ناکامی ویلیام میلر، گفت: «خداوند چنین می‌فرماید: ملعون است کسی که بر انسان توکل کند و بشر را بازوی خویش سازد، و دلش از خداوند منحرف گردد.» ارمیا 17:5. اگر بر انسانی توکل کنید، دل شما از خداوند منحرف می‌شود.

ردّ نخست در پایان، فریاد نیمه‌شب است؛ تکراری از ظهور قدرت خدا. دومین، تکیه بر جسم است. سومین، قانون یکشنبه است.

تنها دو طبقه می‌توانند وجود داشته باشند. هر گروه به وضوح مَهر خورده است، یا با مَهر خدای زنده، یا با نشان وحش یا تصویر او. هر پسر و دختر آدم، یا مسیح را برمی‌گزیند یا باراباس را به‌عنوان پیشوای خود. و همه کسانی که خود را در جانب بی‌وفایان قرار می‌دهند، زیر پرچم سیاه شیطان ایستاده‌اند، و به رد کردن و خوار شمردن مسیح متهم‌اند. آنان متهم‌اند که عمداً خداوند حیات و جلال را مصلوب می‌سازند.» ریویو اند هرالڈ، ۳۰ ژانویه ۱۹۰۰.

یک چیز قطعی است: آن ادونتیست‌های روز هفتم که زیر پرچم شیطان موضع می‌گیرند، پیش از هر چیز اعتماد خود را به روح نبوت از دست خواهند داد.

ادونتیسم همان فرایند سه‌مرحله‌ای آزمونی را تکرار می‌کند که ویلیام میلر در آن ناکام ماند. اما فرشتگان در انتظارند تا میلر را برخیزانند و او را به خانه‌اش نزد نجات‌دهنده‌اش ببرند. برای ادونتیست‌هایی که نشان وحش را دریافت می‌کنند، آن فرشتگان در انتظار ایشان نیستند.

بارها و بارها به من نشان داده شده است که تجربه‌های گذشته قوم خدا را نباید همچون واقعیت‌هایی مرده به شمار آورد. ما نباید گزارش این تجربه‌ها را چنان تلقی کنیم که گویی سالنامه سال گذشته است. این گزارش باید در خاطر نگاه داشته شود، زیرا تاریخ تکرار خواهد شد. «خدمت انتشارات، 175.

چرا باید فریاد نیمه‌شب را به یاد داشته باشیم؟ زیرا تاریخ قرار است تکرار شود. در این تاریخ، پیامی که سبب غریبال خواهد شد، 2520 و 2300 است؛ مردم به سبب این امر از کلیساها بیرون رانده خواهند شد.

اما آیا این تاریخچه، فریاد نیمه‌شب، واقعاً قرار است تکرار شود یا صرفاً بخشی از تاریخ است؟ به این نقل‌قول بعدی توجه کنید:

دنایی هست که در شرارت، در فریب و گمراهی، و در همان سایه مرگ خفته است—خفته، خفته. چه کسانی درد زایمان جان را احساس می‌کنند تا آنان را بیدار سازند؟ چه صدایی می‌تواند به

ایشان برسد؟ ذهن من به آینده برده شد، آنگاه که علامت داده خواهد شد: «اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید.» اما بعضی در به‌دست آوردن روغن برای تجدید چراغ‌های خود تأخیر خواهند کرد، و آنگاه بسیار دیر خواهند یافت که شخصیت، که به وسیله روغن نمایانده شده است، قابل انتقال نیست.» Review and Herald, February 11, 1896.

تاریخ فریاد نیمه‌شب، عیناً تا به آخرین حرف، تکرار می‌شود.

الن وایت دریافت که ۲۵۲۰ نبوتی زمانی معتبر بود و خداوند از آن برای پدید آوردن زمان درنگ، آن نومییدی‌ای که تجربه‌ای را به وجود آورد که مردان و زنان را آماده ساخت تا با ایمان همراه با مسیح به قدس‌الاقداس گام نهند، استفاده کرد.

ما هنوز نکوشیده‌ایم که ۲۵۲۰ را از کتاب مقدس اثبات کنیم. در این مطالعه دربارهٔ دو لوح حبقوق، نخست می‌خواهیم روشن سازیم که الن وایت این تعالیمی را که امروز از سوی آدونتیس‌م رد می‌شوند، تأیید می‌کند؛ سپس به بررسی کتاب مقدسی خواهیم پرداخت.